

لزوم ساختار شکنی و ساختار سازی در بخش توزیع برق

از آنجا که صنعت برق یک صنعت دینامیک و محرک توسعه کشور است لذا راهبرد و رویکرد این صنعت نیز باید در عین داشتن انسجام و پایداری، دارای خصوصیت دینامیک باشد و به عبارتی دیگر در شرایط کنونی جهانی که عنصر دیجیتال و اقتصاد دیجیتالی به سرعت در حال تسخیر و دیکته نمودن ویژگیهای خود به شبکه های برق است؛ آینده پژوهی، خلاقیت و انطباق رمز پایداری و حیات این صنعت است. در بخش توزیع برق نیز این فلسفه کاملاً حاکم است و رویکرد ایجادیک ساختار دینامیک و منعطف و سازگار با نیازها و ضرورتهای روز جهانی و داخلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. خوشبختانه طی چند سال اخیر تحولات عملیاتی خوبی در بخش توزیع کشور از قبیل روند کاهش تلفات، توسعه استفاده از فن آوریهای جدید؛ مکانیزه نمودن فرایندهای فنی و مالی واداری؛ توسعه بازار برق و رویکرد اقتصادی به فعالیتها و استاندارد سازی و... صورت گرفته است ولی در بخش ساختار رویکرد های متغییری را در این بخش شاهد بوده ایم که شاید ناشی از تعاریف برون بخش بوده است. مع الوصف این باعث شده است که در حال حاضر اصلی ترین موضوع بخش توزیع برق؛ بحث تعریف ساختار با تعریف کلی آن یعنی تعریف مجموعه راهبردها، نظام های مالی - اداری و بازرگانی و رویکردهای منطبق بر ضرورتهای روز و آینده باشد. بدیهی است این ساختار باید پاسخگو محدودیتها و تنگناهای مشروحه زیر نیز باشد:

- فقدان راهبرد مناسب، جامع و هدف دار در مدیریت عرضه و مصرف برق، با توجه به موقعیت سایر بخشهای اقتصادی و ملاحظات توسعه پایدار
- محدودیت تصمیم گیری برای مدیریت کلان عرضه
- مصرف و قیمت گذاری برق
- مداخله فعالیت اقتصادی بنگاهها و تحمیل قیمت های فروش به روش غیر اقتصادی
- ساختار نامناسب تعرفه های برق و محدودیت های قانونی
- نامناسب بودن الگوی مصرف و بالا بودن مصرف سرانه انرژی
- وجود موانع سیاسی و افزایش هزینه استفاده از منابع مالی خارجی
- فراهم نبودن مقدمات و زمینه مناسب قانونی، اجرائی، مالی و سیاسی برای ورود بخش خصوصی
- عدم پرداخت هزینه برق مصرفی توسط بعضی از مشترکین
- فرسودگی و قدیمی بودن تأسیسات توزیع
- عدم سیاست گذاری و انسجام در مدیریت تهیه و تولید کالاهای مورد نیاز بخش توزیع
- بالا بودن تلفات انرژی الکتریکی
- انحصاری بودن خدمات و عرضه انرژی الکتریکی
- تداخلات قانونی و ضابطه های با سایر سازمان های خدماتی
- بافت غیر مهندسی و استادکاری موجود
- عدم توانایی مالی برای تأمین سرمایه گذاری های جدید
- به روز نبودن ارزش دارایی ها و عدم تعیین تکلیف مالکیت تأسیسات
- ضعف نظام ایمنی - اندازه گیری - اطلاع رسانی
- باز تعریف پایایی برق در این بخش
- استفاده از تکنولوژی پائین و قدیمی در بهره برداری شبکه
- وجود قوانین دست و پاگیر دولتی در اداره قبلی بخش توزیع

این صنعت طی صد سال اخیر ساختار های مختلفی را به شرح زیر تجربه نموده است و علیرغم اصلاحات و تغییرات متعدد ساختاری در این بخش، بنظر میرسد تحلیل مدون و تطبیقی در مورد دلایل موفقیت و یا عدم توفیق عملکردی هر یک از ساختارهای قبلی انجام نگرفته است:

- نقشه راه و یا راهبردی مشخص و مدونی برای ادامه اصلاحات ساختاری؛ منطبق بر سیاستهای کلی کشور خصوصاً چشم انداز توسعه ای کشور و منویات اصل ۴۴ تعریف نشده است.

سال ۱۲۷۰ صنعت برق محدود و کاملاً خصوصی

سال ۱۳۴۱ تدوین اولین قانون صنعت برق

سال ۱۳۴۸ تشکیل شرکت توانیر

سال ۱۳۵۳ تشکیل وزارت نیرو

سال ۱۳۶۶ تاسیس سازمان برق ایران

سال ۱۳۷۰ فعالیتهای بخش توزیع در قالب مدیریت توزیع و اداره بصورت دولتی (نسل دوم)

ابتدای دهه هفتاد رویکرد عدم تمرکز و واگذاری مدیریت تأسیسات به شرکتهای غیردولتی (نسل سوم)

سال ۱۳۸۴ تصویب قانون استقلال شرکتهای توزیع استانی (نسل چهارم)

سالهای اخیر جهت گیری خصوصی سازی (نسل پنجم)

همانگونه که ملاحظه میگردد بخش توزیع با ماهیت کاملا خصوصی شکل گرفته است و بعد از صد سال دوباره قرار است کاملا خصوصی گردد؟؟؟؟؟؟

موضوع کمبود اعتبارات و منابع مالی یک بحث جدی در صنعت برق است و به نظر میرسد راه حل کوتاه مدت و یا حتی میان مدتی هم برای آن قابل تصور نیست .

لذا می باید با جهت گیری و هدف گذاری مناسب و با پیش بینی لازم در ساختار بخش توزیع نیروی برق و نقشه راه مرتبط با آن تاحدی منطقی کمبود منابع و گاه تصور منشاء پول و اعتبارات برای نارساییها تبدیل به تفکر استفاده بهینه از امکانات و سرمایههای موجود و توسعه ظرفیتهای موجود . رویکردی که انصافا طی چند سال اخیر در صنعت برق بوجود آمده است نیز در همین جهت است.

ضمنا برای حل مشکلات مالی صنعت برق ؛ هوشمند نمودن تعرفه ها ساز و کار خوبی است.

تلفات برق یک پدیده دینامیک و به علت مولفه های مختلف و متغیر تاثیر گذار در میزان آن ؛ قابل مقایسه نیست. این پدیده به خودی خود افزایش و یا کاهش نیابد و برای مدیریت آن نیاز به برنامه ریزی و اعتبار و منابع مالی و ایجاد حساسیت و همگرایی عناصر موثر در آن است . واقعیت اینست که خوشبختانه طی چند سال اخیر شاهد کاهش شاخص تلفات برق کشور بوده ایم و امیدوارم با این حساسیت جدیدی که در سطح صنعت برق بوجود آمده است میزان تلفات برق منطقی شود.

ضمنا تامین منابع مالی برای اجرای برنامه های کاهش تلفات بسیار ضرورت دارد برآوردهای کلی نشان میدهد برای کاهش هر کیلوواتساعت برق ناشی از تلفات حدود ۵۰۰۰۰ تومان اعتبار نیاز است که با توجه به کمبود منابع در صنعت برق ، برنامه ریزی برای ورود تسهیل گرانه بخش خصوصی به منظور اجرای طرحهای کاهش تلفات می تواند بسیار موثر واقع گردد

بخش توزیع صنعت برق دارای ویژگی های خاصی و متمایز از سایر بخشهای صنعت برق می باشد که عبارتند از :

تغییرات ساختاری متعدد

فراگیری و گستردگی نوع خدمت

انحصار در خرید و فروش برق

تعیین دستوری نرخ فروش برق

نیاز به سرمایه گذاری متنوع و زیاد

تأثیر گذاری سیاسی

عدم تجانس و پراکندگی

لذا این صنعت برای قرار گرفتن در مسیر توسعه نیاز به تدوین نقشه راه متناسبی است. نقشه راه به معنای:

تعریف دقیق وظایف و مسئولیت ها در چهار محور مرتبط به هم: مدیریت، مالکیت، ساختار و مقررات به منظور ارائه خدمت بهتر و مناسب تر و با قیمتی منطقی و قابل رقابت به مشتریان، بدون اینکه هیچ گونه تحمیلی به بودجه دولتی ایجاد گردد و هم راستای نیاز توسعه ای کشور نیز باشد، را می توان یک برنامه استراتژی و نقشه راهی منطبق بر منویات اصل ۴۴ و اهداف چشم انداز ۲۰ ساله کشور عنوان نمود.

در این فرآیند، بخش توزیع به صورت یک بنگاه اقتصادی و در محیطی رقابتی عمل می نماید و هزینه ها منطقی شده و در درازمدت باعث بهبود بهره وری و کاهش هزینه ها می گردد. ضمناً با رقابتی نمودن خدمات، به شرط اعمال مکانیزم های دقیق نظارتی سطح خدمات رسانی ارتقاء می یابد. برای تبیین دقیق و واقعی نقشه راه در قالب تکالیف قانونی مشخص شده، نیاز به شناسایی وضعیت موجود، نقاط ضعف و قوت، معیارهای توسعه و پیش بینی و چشم انداز آینده می باشد.

ضمناً برای تحقق اهداف مدل سه وجهی در بخش توزیع یعنی وجوه اقتصادی - پایداری و توسعه پایدار نیاز به تدوین استراتژی های مشروحه زیر برای این بخش می باشد

تفکیک وظایف مدیریت؛ بهره برداری؛ توسعه و مشتریان

رفع انحصار در فروش برق به مشتریان و امکان انتخاب برای مشتری

بنگاهداری و سود آوری برای امکان افزایش رقابت

عدم دخالت دولت در بازگردانی بخش توزیع

واگذاری تمام زیر فعالیتهای بخش توزیع به شرکتهای خصوصی بامدیریت یکپارچه شرکت

کاهش شدت مصرف انرژی و استفاده بیشتر از انرژیهای تجدید پذیر و افزایش بهره وری

سندیکا می باید در معادلات جدید بخش توزیع از قبیل طرحهای کاهش تلفات؛ بهینه سازی مصرف و... نقش فعالتری را بر عهده بگیرد. بخش توزیع دارای گردش مالی بیش از ۱۵۰۰ میلیارد تومان در سال است و با توجه به خوداتکایی کامل این بخش؛ بدیهی است حضور فعال سندیکا باعث رونق کسب و کار در بین اعضا می گردد. صادقانه عرض کنم سندیکا باید با برنامه ریزی، تعامل؛ شناسایی فرصتها و تصمیم سازی، در یک فضای رقابتی و با ارایه کار و کالا و خدمات با کیفیت؛ اجازه ندهد یک ریال از منابع مالی اختصاصی به این بخش؛ نصیب چشم بادامی ها و یا چشم ابیها و یا چشم میشی های این طرف تر؟؟؟؟ گردد.